

نگاهی به فیلم مهمان مامان ، ساخته داریوش مهرجویی

به بهانه بازپخش فیلم مهمان مامان

علی شیدفر

تهیه کننده و کارگردان: [داریوش مهرجویی](#) / نویسندگان فیلمنامه: داریوش مهرجویی، هوشنگ مرادی کرمانی، وحیده محمدی فر / بر اساس قصه ای از هوشنگ مرادی کرمانی / مدیر فیلمبرداری: تورج منصوری / تدوین: مهدی حسینی وند / موسیقی: عماد بنکدار / صدا برداران: جهانگیر میرشکاری، مازیار شیخ محبوبی و امین میرشکاری / طراح صحنه و لباس: محسن شاه ابراهیمی / دستیار اول کارگردان، برنامه ریز و طراحی تیتراژ: محمدرضا شریفی نیا / بازیگران: گلاب آدینه، پارسا پیروزفر، حسن پورشیرازی، نسرین مقانلو، فریده سپاه منصور، ملیکا شریفی نیا، ژاله علو و ... / محصول: سیما فیلم

این که داریوش مهرجویی بعد از چند فیلم ناموفق مثل میکس و بمانی و فارغ از دغدغه های فلسفی اش با بازگشت به دهه شصت به سراغ یک کمدی بزن و بکوب می رود و تجربه موفق اجاره نشین ها را تکرار می کند، اگرچه به نوعی نشانه سرگردانی فیلمساز و دور و تسلسلی است که سینمای ایران در آن گرفتار آمده است، اما به هر حال بیش از هر چیز ضرورت بروز سرزندگی و نشاط را در جامعه ما فریاد می زند. نشاطی که مهرجویی از یک سو و سازمان صدا و سیما که تهیه کننده این فیلم است و بویژه مدیریت جدید ضرورت آن را به خوبی دریافت کرده اند.

مهمان مامان براساس داستانی از هوشنگ مرادی کرمانی که با تغییراتی در بازنویسی مجدد به تصویر درآمده ماجرای چند خانواده نسبتاً فقیر است که در یک خانه قدیمی در قلب تهران زندگی می کنند. روزی برای یکی از این خانواده ها مهمان عزیزی از راه می رسد. یک زوج تازه ازدواج کرده که داماد خواهرزاده زن خانواده و افسر نیروی هوایی است. اما خانه تهی است و برای پذیرایی هیچ چیزی در بساط نیست. سایر افراد خانواده این مجموعه محروم که آبروی زن را در خطر می بینند به کمک برمی خیزند و هر کس هر چه دارد به میان می گذارد. به این ترتیب سفره ای رنگین پهن می شود و ضیافتی شاد و پرشکوه از همدلی و همراهی را تدارک می بینند.

ضیافتی دلنشین که حاصل کار یک نویسنده تیزبین، یک سینماگر خوش ذوق و تلاش بازیگرانی پرتوان است که نقش انسان هایی زیرخط فقر را زندگی می کنند.

از ویژگی های کار مهرجویی در مهمان مامان تصویر دقیق این زندگی و ارتباط درست آدم های این طبقه اجتماعی است. آدم هایی ساده که شخصیت سالمی دارند در جریان طبیعی هستی، بی هیچ عقده و کینه ای زندگی می کنند و هیچ وقت نومید و اندوهگین نمی شوند. آدم هایی که همیشه شاد و مهربان اند، زندگی را رسم خوشایندی می دانند و هر یک در پس پرده ای از ظاهرسازی و افراط و تفریط هایی که در فرهنگ ما جا خوش کرده اند، ویژگی های هزل گونه و خنده دار خود را آشکار می کنند.

مهمان مامان در کنار چیره دستی های فیلمساز، سلامت و غنای اندیشه نویسنده، انسجام فیلمنامه و بازی های روان و هنرمندانه، تماشاگر را با حس واقعی زندگی این آدم ها و با دنیای زنده و ملموس آن همراه می کند و در یک احساس همزیستی مشترک، او را نیز در این ضیافت شاد و دلپذیر به سرخوشی و نشاط مهمان می کند.

مهمان مامان اگر چه ممکن است علاقه مندان سینمای فلسفه گرای مهرجویی را راضی نکند، اما با توجه به وضعیت فعلی سینمای ما و به خصوص تحلیلی که مهرجویی در همین فیلم از زبان آقا یدالله درباه سینمای بیمار ایران ارائه می دهد، تهیه فیلم هایی را با هزینه نسبتاً کم و عناصر کافی برای جذب مخاطب مناسب ترین نسخه می داند و برساخت آثاری چون مهمان مامان به عنوان یک راهکار، عملاً تأکید دارد.

توجه به جزئیات، یکی دیگر از ویژگی های کار مهرجویی در این فیلم است. کل ماجرا و داستان در چند ساعت می گذرد. از غروب یک روز معمولی تا شامگاه همان روز. ایجاد حس تداوم زمانی، و رعایت همه جزئیات در چنین فیلمی که به بیش از یک ماه فیلمبرداری نیاز دارد، کار دشواری است که کمتر فیلمسازی از عهده آن برمی آید. اما مهرجویی، با ظرافت خاص و در نهایت ایجاز قصه اش را روایت می کند و برای حفظ ریتم و ضرباهنگ فیلم استادی خود را بار دیگر به اثبات می رساند. او در طراحی صحنه، طراحی لباس، میزانشن و ترکیب عناصر مقابل دوربین چنان مستند وار عمل می کند که به راحتی بخشی از شور و حال بازیگران به تماشاگر منتقل می شود. فضای شاد فیلم چنان جذاب و گیراست که تماشاگر نه حرکت ناآرام دوربین را روی دست متوجه می شود و نه از میزانشن های شلوغ چندنفره و در هم لولیدن آدم ها سرگیجه می گیرد. او نه تنها از ساعت ها بودن در یک خانه

مقرر پرجمعیت خسته نیست بلکه چنان در وجد و سرور صحنه سهم می شود که انگار یکی از اعضای همین خانواده است که به میهمانی این ضیافت نشسته است.

فیلم مهمان مامان اگر چه در لایه درونی و در پس ظاهر شاد و سرگرم کننده اش پیامی قابل تأمل یا حرف و سخنی عمیق و تفکربرانگیز ندارد و در پرداخت اغلب شخصیت ها از حد تیپ فراتر نمی رود و همه ضعف های خود را در لابلای خنده و شادی پنهان می کند اما برای تماشاگری که از منازعات اجتماعی، از جدی بودن موضوع و فضای فیلم های امروزی گریزان است اثری استثنایی و دلنشین به شمار می رود. او نه تنها از فضای مفرح و شاد فیلم در سالن سینما لذت می برد که پس از تماشای فیلم هنگام خروج از سینما نیز با احساس «وحیده محمدی فر» یکی از فیلمنامه نویسان مهمان مامان احیاناً همراهی می کند: «پس از دیدن فیلم احساس سبک و شیرینی داشتم. تجربه ای که ما را با خود واقعی مان نزدیک کرده بود. به خصوص که ما ایرانی ها ذاتاً مهربان و زنده دلیم و اعتقاد داریم که مهمان حبیب خداست و همسایه باید از درد همسایه باخبر باشد. شاید اگر به این فطرت حقیقی خود بیشتر توجه کنیم، خیلی از مشکلات جامعه حل شود و بار تنش و فشار زندگی شهری را از دوش هم برداریم و آن قدر توی خیابان جلوی هم نپیچیم و بوق نزنیم و همدیگر را آزار ندهیم.»

آیا در میان انبوه مخاطبانی که این روزها راضی از تماشای میهمانی مامان به بیرون سینما می آیند اگر معدودی هم به چنین حسی رسیده باشند، خوشایند نیست؟